

### متن پرسش

با سلام و خسته نباشید خدمت جناب استاد طاهرزاده سوالی که من از خدمتتان دارم مربوط به شاخه های درج شده نیست. سوال من راجع به ازدواج است. دختری ۲۳ ساله هستم که تحصیلات خود را در رشته مهندسی به پایان رسانده ام. از قبل از ورود به دانشگاه دغدغه ی فراوانی برای خدمت به خلق خدا داشتم. و نیتم از ورود به دانشگاه این بود که به جایی برسم تا بتوانم دستی از محرومین بگیرم. این خواسته را در ذهن خودم در قالب تاسیس یک مجتمع آموزشی رفاهی فرهنگی برای کودکان محروم و بی سرپرست و پروراندن آنها تا سن جوانی و دانشجویی، طراحی کرده بودم. و بانییت واقعا خالص از خداوند خواسته بودم که کسی را همراه و شریک زندگیم سازد که مرا در رساندن به این مقصود یاری رساند. در دوران دانشجویی هم برای توجه و ارضای همین دغدغه در مسافرت های جهادی شرکت می کردم و الان به حالتی رسیده ام که جهادی بودن همسرم برای من یک ملاک شده است. اما مواردی که پیش می آید آنهایی نیستند که ... یا در آن حد که میخواهم مذهبی نیستند یا طرفداران جان برکف نظام و آقا نیستند یا دغدغه های مرا ندارند. بنظر شما به اینطور دغدغه ها نباید توجه داشته باشم؟ بنظر شما من که از صبح تا شب در کل لحظات بیداری و یا شاید در خواب هم، مدام به جهاد و جهادی و خاطرات جهادی های گذشته و کارهایی که در آینده می توان کرد فکر میکنم، می توانم با یک انسان معمولی که این دغدغه ها را ندارد زندگی کنم؟ آیا خداوند من را که آرزوی خدمت به خلق را دارم و تمام معنای زندگیم را در ادای این حق میبینم و اگر جهادی نبود نمیتوانم چطور باید زندگی می کردم، نباید به مقصودم برساند؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام شما در پایداری بر همین نیت اگر خواستگاری برایتان آمد که علاوه بر ایمان لازم معتقد به انقلاب و ولایت فقیه بود نباید رد کنید منتها شرط بگذارید که اگر زندگی در کنار ایشان امکان کار جهادی به آن صورت که می فرمایید را دارد، مانع نشود ولی شما بیش از هرچیز مقید و متعهد به آن زندگی باشید که خداوند در کنار همسرتان به عهده ی شما گذارده تا بیشترین نتیجه ی معنوی را نصیب خود کرده باشید. موفق باشید.